عکس: dolan.ir

گزارش از نتایج بررسی باستان‌شناسان ایران و فرانسه در بم و اطراف آن

در جست‌وجوی نخستین کشاورزان جنوب ایران

بیش از ۲۰۰ سایت بقایای تاریخی استقرار انسان شناسایی شد

شـــهر بم اســـتان کرمان بـــا ارگ قرون وسطایی‌اش -بزرگ‌ترین بنای کاهگلی جهان- و زلزله مرگبارش شـــهرت دارد، زلزله‌ای که این شهر و منطقه جنوب کویر لوت را در سال ۲۰۰۳ درنوردید. پس از این زلزله، موسسات فرهنگی ایرانی فهرســـت و تحلیلی از میراث فرهنگی منطقه و خسارات وارده بر اثر زلزله تهیه کردند. طبیعی است که این بررسی بر بناهای تاریخی به‌ویژه ارگ بم متمرکز بود، ولی گونه‌های دیگری از آثار قدیمی‌تر متعلق به دوران قبل از اسکندر و سلسله هخامنشی را نیز در معرض دیدگان قرار داد. وجود این آثار که نوید پتانسیل تحقیقاتی قابل توجهی را می‌دهند، سبب اجرای ماموریت باستان‌شناسان ایرانی -فرانسوی در این منطقه شد.

به دنبال ماموریت جدید، مطالعه و ارزیابی و حفاری‌های جدیدی در سایت نئولیتیک (دوران انقلاب نوسنگی) تل آتشی در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ انجام شد. هدف این تحقیق، بررسی پراکندگی انســـانی کهن در این منطقـــه، به‌ویژه آرایش سایت‌های باستان‌شناسی و تعلقات فرهنگی آنها و همچنین تحول این پراکندگی در رابطه با تغییرات آب و هوایی شکل‌گرفته در گذشته است.

از سوی دیگر، این ماموریت سعی بر شناخت اجتماعات کهن جنوب‌شـــرقی ایـــران و به صورت وســـیع‌تر، درک روند توسعه و سکنای قدیم همچون ظهور نخســـتین دهکده‌های کشاورزی در جنوب ایران و از خلال حاشیه‌های هندوایرانی در نئولیتیک دارد. پدیده‌ای که به هلال حاصلخیز معروف است.

مطالعات اولیه امکان ثبت بیش از ۲۰۰ سایت باستان‌شناسی را فراهم آورد که شامل آثاری با قدمت پالئولیتیک (پارینه‌ســـنگی) تا قرون وســـطی، مخصوصا تعداد زیادی از سایت‌های نئولیتیک و کلکولیتیک می‌شود. حفاری‌های مرحله دوم هم آثار جدیدی در سایت تل آتشی، سایت نئولیتیک کلیدی شرق ایران به‌دست داد.

چندی پیش عمران گاراژیان و بنیامین موتن، مدیـــران ماموریت باستان‌شناســـی ایرانی- فرانسوی در بم- نرماشیر، در کنفرانسی نتایج ماموریت خود را ارایه دادند و گفتند که در این کاوش‌ها از دوره‌های نوســـنگی و پیش از آن و شکل زندگی انســـان در این منطقه و تغییرات زندگی‌شان به یکجانشـــینی و کشاورزی چه یافتند و چه چیز موجب حیرتشان شد.

عمران گاراژیان، اســـتاد باستان‌شناسی در دانشگاه نیشابور است. او در بسیاری از مناطق ایران به‌ویژه در منطقه بـــم در چارچوب برنامه باستان‌شناســـی پس از وقوع زلزله کار کرده اســـت. بنیامین موتن هم محقـــق مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (باستان‌شناسی و علوم تاریخ باستان، باستان‌شناسی آسیای مرکزی) و همچنین دپارتمان انسان‌شناســـی دانشگاه هاروارد اســـت. او در پاکســـتان، افغانستان، تاجیکســـتان، ایران، عمـــان و اردن فعالیت داشـــته اســـت. آنچه می‌خوانید، گزارش این باستان‌شناســـان از کاوش‌ها و بررسی‌هایشان است:

در منطقه مورد بررسی، شهر بم در مرکز قرار گرفته است. دامنه‌های کوهســـتان‌های جبال بارز در غرب و منطقه پست لوت جنوبی در شرق و جنوب شهر بم است. ارگ مشهور شهر بم بعد از زلزله ثبت جهانی شد اما اهمیت بم در قرون میانی بیشتر به خاطر این است که این شهر بزرگ بین فلات ایران و جنوب‌شرق ایران (سیستان‌وبلوچستان) به‌عنوان یک مرکز مهم تجاری و در دوره میانی مرکز اعمال حاکمیت بوده‌است.

بم در سال‌های اخیر و طی مطالعات پس از زلزله به خاطر استحصال آب‌های زیرزمینی از طریق سیستم قنات مشهور شد و تا امروز می‌دانیم عمده‌ترین منبع تأمین آب نخل که محصول ملی بم است، از طریق قنات به دست می‌آید. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های شایان عدل که پژوهش‌های پرونده ثبت جهانی را تهیه کرد هم روی قنات متمرکز بود.

این تصور در جامعه ایران وجـــود دارد که بم در کویر واقع شـــده اما باید یـــادآوری کرد جبال بـــارز و دره‌ها از نظر محصولات باغـــی غنی اســـت و همچنین در قســـمت جنوب‌غربی منطقه زندگی محلی در واحه‌ها و در روستاها با معماری محلی وجود دارد. بم بین این دو بخش قرار گرفته اســـت. علاوه بر واحه‌ها که بسیار محوری هستند، در بم دامداری و شیوه‌های سیار هنوز در سلســـله جبال بارز وجود دارد. این سیستم برای ما باستان‌شناسان بسیار بااهمیت است.

عمده کار بررسی باستان‌شناسی در فصل گذشته در سال ۲۰۱۶ در اطراف شهر بم یعنی شهرستان‌های بم و نرماشیر (حاشیه غربی لوت جنوبی) انجام شد.

لازم است قدردانی کنیم از شایان عدل که بلافاصله پس از زلزله وارد مطالعات باستان‌شناسی و گردآوری اطلاعـــات پایه در بم شـــد و مـــا در ادامه، پـــروژه قوم باستان‌شناسی فاجعه را شروع کردیم و کار در دارستان کلیدخورد.

عمده تمرکز پژوهش‌های عدل بر دوره‌های اسلامی و تاریخی و اطلاعاتشان کاربردی بود. در مورد مطالعات ما، پس از این که تل آتشی در ۳۳ کیلومتری جنوب‌شرق بم در حاشـــیه کویر لوت را بررسی و از طریق اطلاعات عدل فهمیدیم که سایت نوسنگی پیش از سفال در این منطقه وجود دارد، ابتدا داده‌های سطحی را گردآوری و مطالعه کردیم و بعد در دو اســـتقرار نوسنگی و و یک استقرار جدیدتر (هزاره چهارم) کاوش را در سال ۲۰۰۸ انجام دادیم.

در دومین مطالعه داده‌های سطحی، مهرهای مشبک بررسی شدند که مشابه داده‌های سایت پاکستان بود که این شباهت نشانه‌ای از روابط مناطق دور دست است.

در ۲۰۱۶ پروژه جدیدی را شـــروع کردیم: بررســـی عمومی بم- نرماشیر و منطقه براساس اطلاعات گذشته. هدف تمرکز روی گردآوری اطلاعات گذشـــته روابط فرهنگی با مناطق و تغییرات آب و هوایی و استقرارها بود. جنوب‌شـــرقی ایران را از منظر فراخ‌تری در خاور نزدیک مورد مطالعه قرار دادیم.

در بررسی‌های فصل اول ۲۰۱۶ منطقه‌ای در حدود ۶۰ کیلومتر را مورد مطالعه قـــرار دادیم و تعداد زیادی استقرار پیش از تاریخی شناسایی شد. عمده تمرکز بر سایت‌های پیش از تاریخی بود ولی سایت‌های اسلامی که وسیع هم هستند را هم بررسی کردیم.

در پراکندگی استقرارهایی در حاشیه رودخانه بیش از ۲۰۰ سایت بقایای تاریخی استقرار را شناسایی کردیم. به ترتیب گاه‌نگاری قدیمی‌ترین استقرارها مربوط به پارینه‌سنگی میانه هســـتند. با توجه به نظریه مشهور خروج گونه انسان‌های راست‌قامت از آفریقا این یافته‌ها بسیار بااهمیت‌هستند.

در فصل ۲۰۱۶ در جنوب‌شرق و محدوده دارستان، ۸۰ اســـتقرار پارینـــه ســـنگی را شناســـایی کردیم. گاه‌نگاری‌شان بین ۹ هزار تا ۶ هزار پیش از میلاد است. عمده استقرارهای نوسنگی با آغاز کشاورزی و دامداری یعنی آغاز یک فرآیند جدید در توسعه فرهنگ بشری هستند و تراکم‌شان به این تعداد در جنوب‌شرق ایران از نظر مطالعات خاور نزدیک بسیار اهمیت دارد. یکی از خصوصیات بم به‌ویژه در تل آتشی، وجود نوسنگی بدون سفال است و امروز پس از دو فصل کاوش می‌دانیم که این آثار در جنوب‌شرقی بم وجود دارند.

دوره بعد یعنی اوایل دوره مس‌ســـنگی اوایل هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد اســـت و از ایـــن دوره در محدوده دارستان فقط ۱۰ سایت را شناسایی کردیم که دارای سفال‌های منقوش بانقوش زیگزاگی هستند.

پراکندگی استقرارهای مس‌سنگی بم در مرکز قرار گرفته و تپه یحیی در جنوب‌غرب و در جنوب‌شـــرق تپه بم‌پور را داریم. در یافته‌های دوره اوایل مس‌سنگی- مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد- تعداد ۷۰ استقرار دیده شـــد که با دوران نوسنگی قابل مقایسه هستند. در بم به جز ســـفال‌ها، بقایای کوره‌های ســـفال را هم شناسایی کردیم. به خاطر باد و فرسایش تعدادی از آثار بیرون می‌افتند.

از نظر گاه‌نگاری پس از عصر مفرغ آثار دوره آهن و و دوره تاریخی و اسلامی هستند. در آثار دوره آهن تعداد کمی استقرار در محدوده بم می‌شناســـیم و در آثـــار دوره تاریخی و اســـلامی با اســـتقرارهای بزرگ با برج و بارو و حصار مواجه هســـتیم که بسیار اهمیت دارند؛ ازجمله دارزین که محوطه گســـترده‌ای دارد و ارگ بم کـــه پی‌ریـــزی‌اش مربوط به دوره‌های تاریخـــی و معماری‌اش مربوط به اواخر دوره اسلامی.

در جنوب‌شرق و محدوده دارستان، ۸۰ استقرار پارینه سنگی شناسایی کردیم. گاه‌نگاری‌شان بین ۹ هزار تا ۶ هزار پیش از میلاد است. عمده استقرارهای نوسنگی با آغاز کشاورزی و دامداری یعنی آغاز یک فرآیند جدید در توسعه فرهنگ بشری هستند و تراکم‌شان به این تعداد در جنوب‌شرق ایران از نظر مطالعات خاور نزدیک بسیار اهمیت دارد

استقرار گسترده در تل آتشی

چرا تابستان امسال در فصل دوم تل آتشی را بررسی کردیم؟

به‌عنـــوان پیش‌زمینـــه یـــا زمینه‌ســـازی برای دوره نوسنگی باید تأکید کنیم که ایـــن دوره زمان ظهور و بروز و آغاز شـــیوه‌های جدید زندگی است. شیوه‌های جدیدی که متکی به تولید و کشـــاورزی و دامداری است و نسبت به دوره‌های قبل که انسان‌ها ســـیال‌اند و متکی به شکار متفاوت‌اند. در این‌جا با فرهنگ‌هایی مواجه هستیم که سیطره‌شان را بر محیط افزایش می‌دهند و دســـت به کشاورزی و اهلی‌ســـازی حیوانات و دامداران جثه‌میانه می‌زنند. پیشینه این شیوه‌های جدید که به نوسنگی و نوسنگی شدن مشهور شده در خاور نزدیک به ۱۲ هزار سال است و اهمیت اساسی این دوره‌ها در این است که شیوه‌های تولیدی‌شان تاهمین امروز پایه استقرارهای یکجانشین هســـتند. آنها به کار تولید ســـفال می‌پرداختند و ما می‌توانیم نمود و ظهور و بروزشان را در فرهنگ امروز مورد مطالعه قـــرار دهیم و از این نظـــر دارای اهمیت هستند. به‌عبارتی، پیشینه بلافصل یک تغییر اساسی در فرهنگ انسان‌ها را با نوسنگی پی‌جویی می‌کنیم.

براساس مطالعاتی که این ســـال‌ها انجام شده، در محدوده‌ای مشهور به هلال حاصلخیزی، مطالعات با روش‌های نوین دی‌ان‌ای نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین فرهنگ‌هایی که به کشاورزی روی آوردند ۱۲۰۱۱ هزار سال پیش و در هلال حاصلخیزی بودند. بقایای گیاهی و جانوری، قدیمی‌ترین مرکز شکل‌گیری آن را هلال حاصلخیزی معرفی می‌کند و بعد از آن براثر مهاجرت‌ها و برهـــم کنش‌های فرهنگـــی به مناطـــق همجوار سرزمین‌های خاور نزدیک رفته، بعدها این تحول اساسی فرهنگ بشری به اروپا وارد شده است.

امـــروزه می‌دانیـــم که هلال حاصلخیـــزی زاگـــرس دارای اهمیت کلیدی در شکل‌گیری تحولاتـــی اســـت که بـــه آن نوســـنگی شـــدن می‌گوییم. مطالعات نشان می‌دهد که این تحولات پس از شـــکل‌گیری به بخش‌های شرقی گسترش پیدا کرد و در هزاره‌های پنجم تا هفتم در بخش‌های شـــرقی ایرانی آثار آن شناســـایی شد. این که این اتفـــاق چطور و طی چه فرآیندی افتـــاده به‌عنوان یکی از مسائل اساسی مطرح است. منظور تحولات اساســـی کشـــاورزی و دامداری یا همـــان تحول نوسنگی و نوسنگی شدن در خاور نزدیک و زاگرس و گسترش آن به شـــرق و جنوب شرق ایران است.

در ارتباط نوســـنگی و نوسنگی شـــدن و گسترش این فرهنگ‌ها از غرب ایران به جنوب شـــرق و جنوب شرق آسیا می‌دانیم که عمده مطالعاتی که در جنوب شـــرق ایران در تل ابلیس، یحیی و جاهای دیگر مثل هریرود انجام شـــده مربوط به دهه ۷۰ میلادی است.

دو اســـتقرار دیگر در جنوب غرب پاکستان شناسایی شـــده ولی ضرورت بازبینی مطالعات گذشـــته که با روش‌های ۱۹۷۰ انجام شـــده بود، احساس می‌شود. به‌طور مشخص تجزیه و آنالیز، گاه‌نگاری‌های دقیق‌تر، پیگیری مطالعات در مقیاس خردتـــر و با روش‌های روزآمد از جمله مسائلی است که نیاز و ضرورت ما برای گسترش دانسته‌های علمی‌مان اســـت؛ به‌روز کردن دانسته‌هایی که اطلاعات پایه‌شان ۳۰-۴۰ سال پیش به دست آمده است.

ردپای بزهزاره‌های گذشته

مطالعات در تل آتشی و کاوش در عمق نشان داد بقایای معماری با خشت‌هایی که شاخص دوره‌های نوسنگی اســـت و آثار ابزارهای سنگی در استقراری گسترده وجود دارد اما آثار ســـفالی در آنها تابه‌حال شناسایی نشده است. عمدتا فرهنگ‌های مربوط به این دوره در تل آتشی براســـاس گاه‌نگاری‌هایی که امروز داریم به اواخر هزاره ششم و اوایل هزاره پنجم برمی‌گردد و این برای استقرارهای بدون سفال یک اما و اگر دارد، چون این زمان مقارن با زمانی است که در بخش‌های دیگر حدود یک هزاره است که سفال مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

یافته‌های شـــاخص مربوط به کاوش سال ۲۰۰۸، ابزارهای ســـنگی و پیکرک‌های بسیار کوچک گلی که مشهور به پیکرک‌های الهه مادر هستند، اشیای شمارشی گلی و همچنین از مهمترین شاخص‌های این دوره یعنی ظروف سنگی بودند. ازجمله داده‌های بسیار مهم در تل آتشـــی که و به دلیل شرایط بسیار خشـــک منطقه به وجود آمده، پوسته‌های خارجی نی‌هاســـت که از حدود هزاره پنجـــم تا همین حالا حفظ شده‌اند. در کاوش امسال هم نمونه‌هایی از آن داشتیم.

این پژوهش با حمایت اســـتان در ســـال ۱۳۹۰ انجام شده است. تمام تلاش ما این است که بتوانیم سازماندهی و بخش‌های مختلف استقرار را شناسایی کنیم، بدون این که کاوش‌های گسترده انجام دهیم.

یکی دیگـــر از کارهای تکمیلی کـــه در پیگیری پژوهش‌های پیشین انجام دادیم، تکمیل مطالعات لایه‌نگاری در ادامه مطالعات لایه‌نگاری سال ۲۰۰۸ اســـت. در این مطالعات در پلکانی که تا لبه استقرار می‌رسید، کاوش لایه‌نگارانه انجام دادیم و خوشبختانه توانستیم ســـطح خاک بکر را یعنی جایی که زمین دســـت نخورده اســـت، شناســـایی کنیم. براساس اطلاعات موجود، بالاترین ســـطح را در لایه‌نگاری ۲۰۰۸ به دست آورده بودیم و پایین‌ترین سطح را در لایه‌نگاری تابستان امسال به دست آوردیم و می‌دانیم که بقایای نوشته‌های دوره نوســـنگی در تل آتشی است.

در کاوش ۲۰۰۸ بقایای معماری شناسایی شده بود و در کاوش امسال می‌توانیم یکی، دو دوره دیگر را در سطوح پایین‌تر ببینیم. کاوش‌هایی که در گمانه‌های آزمایشی امســـال و در حاشیه شمال‌شرقی استقرار انجام دادیم نشان می‌دهد که در برهه‌های مختلف بقایای لایه‌هـــای طبیعی و لایه‌های آثار باســـتانی شناسایی شد. یکی از مهمترین یافته‌ها که تیزبینی کاوشگر را می‌خواست، شناسایی رد پای گوسفند و بز در حاشیه استقرار بود که احتمال می‌دهیم روی گل رودخانه باشد. این جا می‌توانیم از اهلی‌سازی حیوانات صحبت کنیم. شانس آوردیم که توانستیم در سطوح پایینی گمانه‌ای را شناسایی کنیم.

در بخش‌های گوناگون، افزون بر مصالح معماری و مصالحی که برای ســـاخت سقف استفاده می‌شد، خشت‌های سوراخ‌دار یافت شد که قبلا در تپه یحیی هم به دست آمده بود. به‌جز ساختارهای معماری که بازسازی شـــد، بخش کوچکی از سقف را می‌توانیم ببینیم که در بازسازی‌هایی که انجام می‌شود بسیار بااهمیت‌است.

همچنین تصویر کودک ۳ تا ۶ ماهه‌ای را می‌توانیم ببینیم که زیر گمانه ۶ داخل فضای معماری شناسایی شد و همچنین دستبندهایی با مهره‌های بسیار ریز استخوانی یا صدفی و دو قطعه فیروزه که همراهش بود. نمونه‌برداری انجام شده است و در حال پیگیری هستیم

آثار شاخص پیش از سفال، کاسه‌های سنگی است و پیکره‌های عموما گلی و گلوله‌های گلی خیلی کوچک که احتمال دارد برای شـــمارش استفاده می‌شدند، همچنین مهره‌های احتمـــالا تزیینی که به صورت حفره‌ای ساخته‌شده‌اند.

در ادامه مقایسه‌ها با تپه یحیی، بقیه آثار نوسنگی را که در استقرارهای دورتر از تل آتشی به دست آمده می‌توانیم ببینیم؛ تل ابلیس در شمال، تپه یحیی در جنوب شرق، هریرود و دولت‌آباد در منطقه جیرفت معاصر قرار گرفته، در غرب بم و در شرق بم با فاصله مهرکده قرار گرفته و همه‌شـــان معـــرف فرهنگی هســـتند که به‌عنوان آغاز نوســـنگی و کشـــاورزی مشخص می‌شوند. براساس این اطلاعات می‌توانیم درباره این که توســـعه فرهنگ غرب به شرق چطور اتفاق افتاده به‌عنوان یکی از مسائل مهم در مطالعات نوسنگی در جنوب شرق ایران و به طرف جنوب شرق آسیا مطالعه کنیم. همان دوره‌ای که تغییرات اساسی در آن اتفاق افتاده‌است.

براســـاس گردآوری اطلاعات که از بررســـی‌های ۲۰۱۶ به دســـت آمده، اســـتقرارهای پارینه‌سنگی در اطراف بم بســـیار کم اســـت و در دوره نوسنگی بسیار زیاد هم چنین. رو به عصر مفرغ که می‌رویم، تعداد اســـتقرارها بسیار کم اســـت. اگر پراکندگی فضایی را ببینیم و بررســـی کنیم، می‌توانیم تقریبا مدلی پیشـــنهاد کنیم. اســـتقرارهای نوسنگی در جنوب شرق بم در دارســـتان تعدادشان خیلی زیاد اســـت و آنها که در دارزین و خود بم هستند، اهمیت دارند. اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن، گاه‌نگاری دوره‌ای نشـــان از بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی دارد و می‌توانیم براســـاس مطالعات ارزشمند دکتر عدل بدانیـــم تکنولوژی قنات ممکن اســـت تا چه زمانی عقب برود. این نکته بسیار مهمی است که در پراکندگی استقرارها بهره‌برداری از آب‌های سطحی یک پراکندگی را نشان می‌دهد و آب‌های زیرزمینی یک پراکندگی دیگر را.

در محدوده خود بم، می‌دانیم حدود گسل بعد از دوره آهن مورد اســـتفاده قرار گرفته است. اضافه بر لایه‌نگاری و گاه‌نگاری، سازماندهی فضایی استقرارها در بلندمدت از اهداف ماست. نمونه‌برداری و مطالعه بقایای گیاهان و جانوران باز هم مورد بحث و بررسی اســـت. تجزیه و تحلیل دی‌ان‌ای مدنظر ماســـت و همچنین در پی این هســـتیم که وضع ساختارهای معماری و مشـــابه‌های آن را در محدوده بم و جنوب شرق مورد بحث و بررسی قرار دهیم که در این‌جا تپه یحیی را معرفی کردیم.

مطالعاتی که در ۱۹۸۶ انجام‌شـــده بـــه ما یادآوری کرد که اگر می‌خواهیم تحولات کشاورزی و دامداری را پیگیری کنیم باید چشـــم‌انداز طبیعی مورد بحث و نمونه‌هـــا و مابه‌ازای ملموس آن‌ها را نشـــان دهیم. همچنان که مطالعات چشم‌انداز طبیعی و خصوصیت زیست‌بومی منطقه بسیار بااهمیت است. به‌طور کلی افزون بر حفاری بررسی‌ها و تکمیل بررسی‌ها، دیرین محیط‌شناسی از جمله مطالعات مهم است و امیدواریم بتوانیم در مقیاســـی برتر آن را بررسی کنیم. درحال حاضر تحول و توســـعه کشـــاورزی را منزل به منزل پیگیری می‌کنیم.